

نکته‌هایی از معارف حسینی

رسالت حضرت رقیه علیها السلام در قیام عاشورا

دکتر مهدی مردانی (گلستانی)^۱

هجرت تاریخی امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا، با همراهی جمعی از اهل بیت علیهم السلام انجام گرفت که زنان و فرزندان امام حسین علیه السلام از آن جمله بودند. یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام که در این حرکت الهی حاضر بود و علاوه بر رنج سفر کربلا، محنت سفر شام را نیز به دوش کشید، حضرت رقیه علیها السلام است.^۲ این دختر سه ساله^۳ که به فاطمه صغرا نیز معروف است^۴، برجسته‌ترین حضور خود را در دوران پس از شهادت امام حسین علیه السلام و در ایام اسارت شام تجربه نمود؛ ایامی که از سخت‌ترین روزگار خاندان اهل بیت علیهم السلام بود و مصیبت‌ها و سختی‌ها بسیاری برایشان وارد شد.

اما آن‌چه درباره این شخصیت ارزشمند کمتر مورد توجه قرار گرفته است، رسالت ایشان در قیام امام حسین علیه السلام است. این‌که در کنار نقشی که به عنوان دختر امام علیه السلام ایفا کرد، چه رسالت دیگری بر عهده داشت و تأثیر ایشان در گستره‌ای فراتر از حادثه کربلا چه بود؟

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی (mardani1400@gmail.com)

۲. ابن‌فندُق بیهقی (م ۵۶۵ ق) در کتاب لباب الانساب، در کنار فاطمه و سکینه از دختری به نام رقیه برای امام حسین علیه السلام یاد کرده است. نک: لباب الانساب، ص ۳۵۵.

۳. در برخی گزارش‌ها، سن شریف ایشان سه سال زده شده است. نک: معالی السبطین ج ۲، ص ۱۰۱.

۴. نک: بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.

روشن است که نقش ایشان در بُعد عاطفی ماجرا بسیار پررنگ بود و حضور پراحساس و تأثیرگذار ایشان در شام، موجب تأثر دوست و دشمن گردید؛ اما دختر امام حسین علیه السلام علاوه بر نقش خانوادگی، کارکرد سیاسی نیز داشت و با ابراز احساس معصومانه خود، موجب علنی شدن مظلومیت امام حسین علیه السلام گردید. به واقع، رفتار و گفتار ایشان در رثای امام حسین علیه السلام موجب شد آشکار شدن مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام در واقعه کربلا و اثبات حقانیت حضرت در برابر دشمن گردید.

به بیان دیگر، نقش حضرت رقیه علیه السلام در ماجرای عاشورا تنها نقشی عاطفی نبود که با ابراز علاقه دختری خردسال به پدر شهیدش تجسم پیدا کند، بلکه رسالتی حماسی بود که با برشمردن ظلم و شقاوت دشمنان و اعلان مظلومیت و بی‌گناهی امام حسین علیه السلام، چهره کربیه و منفور دستگاه یزید را بر همگان آشکار کرد؛ به گونه‌ای که دشمنی را که به عملکرد خود در به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام افتخار می‌کرد، مجبور به عذرخواهی و ابراز پیشمانی نمود؛ چنان که وقتی سر مبارک امام حسین علیه السلام در پیش روی یزید قرار گرفت، او با سرودن اشعاری^۱ از کشته شدن حضرت حوشحال شد، اما وقتی از وضعیت رقت بار کاروان اسرا آگاه گردید و با افشاگری‌های خاندان امام علیه السلام رسوا شد، از قتل امام حسین علیه السلام براءت جست و از کرده خود اظهار پشیمانی کرد و به خانواده خود اجازه داد سه روز برای امام حسین علیه السلام سوگواری کنند.^۲

در واقع، حضرت رقیه علیه السلام رسالتی که امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیه السلام به عهده گرفته بودند را تکمیل کرد و با اظهار دلدادگی خود به امام حسین علیه السلام و خلق صحنه‌های دادخواهی، به مأموریت ایشان برای افشا نمودن چهره پلید دشمن جلوه بیشتری بخشید و حقانیت امام علیه السلام را برای همیشه تاریخ جاودانه ساخت: «ثبت است بر جریده عالم دوام ما...»

۱. ای کاش بزرگان قبیله من که در جنگ بدر کشته شدند، اکنون بودند و زاری قبیله خزرج را از زدن شمشیرها و نیزه‌ها می‌دیدند! در آن هنگام از شدت فرح فریاد می‌زدند و می‌گفتند: ای یزید دست مریزاد! ما بزرگان این‌ها را به جای کشتگانمان در بدر کشتیم و سر به سر شد. (المهوف / ۲۱۴).

۲. نک: انساب الاشراف / ۲۲۲؛ تاریخ طبری: ۴۶۴/۵؛ البدایه و النهایه: ۱۱۲/۸.

اینک، دختران شهیدان نیز می‌توانند با الگو قرار دادن حضرت رقیه علیها السلام، نام ویاد پدران خود را زنده نگاه دارند و آرمانی را که پدر شهیدشان با خون خود آبیاری نمودند، با رفتار و گفتار صحیح خود بارور سازند؛ بدین گونه که با بهره‌گیری از منش حضرت رقیه علیها السلام در اعلان مظلوم و افشای ظالم، حقانیت راه شهیدان را نشان دهند و چهره فریبنده دشمنان را برملا سازند و غبار ابهام را از ذهن و باور جوانان بزدایند.

روا گشته حاجات ما با رقیه

دکتر مجتبی رحماندوست^۱

روا گشته حاجات ما با رقیه	من ودست و دامان تو یا رقیه
من از کودکی آشنای تو بودم	و مشق شیم، آب، بابا، رقیه
در آغوش بابا، در آغوش عمه	چه شب‌ها شنیدی تولا لا رقیه
پدر می‌نشاند تو را روی زانو	نوازشگرت دست زهرا رقیه
کنون در خرابه چرا روی خاشاک	نشستی تو افسرده، تنها، رقیه؟
تو تکرار زهرایی و ضرب سیلی	شده نیلگون رویت آیا؟ رقیه
چرا شانه‌هایت کبود است و زخمی؟	ز شلاق دشمن؟ مبادا رقیه
لبت بوسه گاه پدر بود و عمه	تو و تازیانه به لب‌ها؟ رقیه
همان دم که افتادی از روی محمل	شکست آن زمان بغض گل‌ها رقیه
شنیدم که با دیدن زخم زینب	فرو بسته‌ای لب ز شکوی رقیه
تورا هر که دارد دگر غم ندارد	من و دامن‌ت، جان بابا، رقیه

